

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی سوء استفاده از حق در حقوق ایران و فرانسه

چکیده

یکی از موضوع‌های بحث برانگیز در حقوق مسئولیت مدنی، استفاده از حق است؛ به عبارت دیگر، حق را تا چه میزان باید اجرا کرد؟ هرگاه اجرای حق شخص برای دیگران زیان بار باشد، وظیفه دارنده حق چیست؟ جهت کنترل میزان کیفیت اعمال حق ضروری است که معیاری را مشخص کرد که از طریق آن بتوان سوء استفاده از حق را شناسایی کرد.

روش: این نوشتار از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و از طریق مطالعه قوانین و مقررات و منابع معتبر انجام شده است و اطلاعات به دست آمده به روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

در باب یافته‌های پژوهش می‌توان بیان نمود، با وجود اینکه ماده ۱۳۲ قانون مدنی، مبنای نگاه قانون گذار به حکم سوء استفاده از حق است، اما ماهیت چندگونه حق موجب شده است که حد ترخص حق، دوسویه باشد؛ یعنی گاه سوء استفاده از حق ضمانت اجرا نداشته باشد و قانون گذار حکم اعمال حق را مطلق گذارد و گاه اجرای منصفانه حق را ممنوع سازد؛ در خصوص قلمرو سوء استفاده از حق باید بر این موضع، بود که نظریه سوء استفاده از حق تنها در مقام اعمال حق جاری می‌شود، در حالی که قاعده لاضرر به حیطة مرسوم تنها ناظر بر اجرای حق از قبیل حق مالکیت یا حق عبور محدود نیست.

در باب نتایج پژوهش می‌توان بیان نمود، محل جریان قاعده سوء استفاده از حق، اعمال و اجرای حق است؛ و در نظام حقوقی ایران برای مقابله با ضرر ناشی از احکام حقوقی و جهت مبارزه با جواز اجرای حقی که به ضرر دیگری می‌انجامد، استفاده می‌شود. از سوی دیگر، در حقوق فرانسه در صورت سوء استفاده در مقام اجرای حق، حکم جواز و اباحه اعمال حق برداشته می‌شود و با نظریه نفی حکم رابطه تساوی پیدا میکند.

کلیدواژگان:

مسئولیت مدنی، مبنای، سوء استفاده از حق، ایران، فرانسه

در حقوق، مسئولیت مدنی جهت حمایت از زیان دیده، ضروری است که با پیش بینی تمهیدات لازم جهت جبران خسارت به صورت کامل، موقعیت زیان دیده را به زمان قبل از وقوع ضرر بازگرد. تا دو قرن اخیر، بسیاری از نویسندگان فرانسوی حق را مطلق می‌پنداشتند، به این معنی که کسی که حق خود را اعمال می‌کند، هر چند در اجرای آن به دیگری ضرر زند، محدودیت و مسؤولیتی ندارد. اگر از عمل مشروع کسی زبانی به دیگری وارد آید، به دلیل مشروع بودن رفتار نباید مرتکب آن را مسئول جبران خسارت قرار داد. ولی، به تدریج با افول نظر فردگرایان، نویسندگان پذیرفتند که اجرای هیچ حقی آن‌چنان که پیشینیان می‌پنداشتند، مطلق نیست و هیچ کس نمی‌تواند با «سوءاستفاده از حق» خویش به دیگری زیان رساند.

در ارتباط با مسئولیت قهری یا مسئولیت خارج از قرارداد، در حقوق کشور فرانسه در بند یک ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی، این‌طور آمده است که «هر کس مسئول خسارت‌های ناشی از اشخاصی است که مسئولیت آن‌ها را بر عهده داشته یا اموالی که نگهداری آن‌ها را به عهده دارد نیز است».

در حقوق فرانسه سوء استفاده از حق نهادی است که برای محدودیت و کنترل اعمال حق در طی دو قرن گذشته ایجاد شد. همچنین نظام حقوقی اسلام یکی از مهم‌ترین کارکردهای مربوط به قاعده لاضرر که پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام دارد، تحدید گستره‌ی قاعده تسلیط و کاستن از گستره اختیارات مالک بوده است؛ به عبارت دیگر به‌عنوان مثال با استنباط از قاعده لاضرر باید گفت که این قاعده به مالک این اجازه را نمی‌دهد که هر جور تمایل دارد از ملک خود استفاده کند؛ چرا که ممکن است با این استفاده موجب ایجاد ضرر به دیگری شود. در واقع مالکی که استناد به حق مالکیت و اعمال حق خود می‌کند، در استفاده از آن به هر شیوه‌ای آزاد نیست و متعاقب آن حق مالکیت او به صورت مطلق نیست؛ به گونه‌ای که این قاعده، ضرر به دیگری در هنگام استفاده از حق مالکیت را منع می‌کند. قاعده لاضرر که پشتوانه آن قرآن و روایات متعددی هستند، از مباحث مورد بحث در اصل ۴۹ قانون اساسی است، همچنین در ماده ۱۳۲ قانون مدنی نیز معیارهای آن را در ارتباط با همسایگان مورد شناسایی قرار داده است. علیرغم مشابهت‌هایی که بین قاعده لاضرر در نظام حقوقی ایران و قاعده سوء استفاده از حق در نظام حقوقی فرانسه وجود دارد؛ در نظام حقوقی ایران هر دو قاعده به صورت موازی پیش رفته‌اند؛ به طوری که بدون آنکه روابط آن‌ها با یکدیگر تبیین و لزوم استفاده از نهاد عاریتی غربی باوجود نهاد مشابه بومی و دینی توجیه شود.^۱ در متون فقهی یکی از مهم‌ترین منابعی که به قاعده منع سوء استفاده از حق نزدیک‌تر است، قاعده لاضرر است؛ هر چند قاعده لاضرر قاعده‌ای عام‌تر از سوء استفاده از حق قلمداد می‌شود.^۲

جهت محقق شدن سوء استفاده از حق، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آیا قصد و انگیزه، سوء دارنده و اعمال کننده حق لازم است؟ یا اینکه ورود خسارت به شخص دیگر را باید ضابطه دانست؟ همچنین آیا ضروری است که رفتار اجرا کننده حق را باید با رفتار یک انسان عاقل، بالغ و محتاط مورد بررسی و ارزیابی قرار داد یا اینکه باید با مجموعه اهداف اجتماعی حق را، ملاک قرار داد؟ به عبارتی یعنی در صورتی که با اعمال حق، هدف آن تأمین نشود، باید آن را سوء استفاده از حق دانست یا خیر؟ در این باره پاسخ دکتترین حقوقی چیست؟ همچنین علم حقوق چه ملاک و معیارهایی را جهت شناسایی سوء استفاده از حق مدنظر قرار می‌دهد؟

۱. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر با قاعده غربی تضییع حقوق»، فصلنامه تحقیقات تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره دوم، سال اول، (۱۳۹۳)، ص ۱۳۶

۲. محمدی، مهدی و پاسبان، محمدرضا، «راهکارهای غیر قضایی مقابله با سوءاستفاده از حق با تأکید بر شرکتهای تجاری و دولتی»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره دهم، (۱۴۰۱)، ص ۳۸

۱. مفهوم شناسی

برای اینکه بتوان رابطه منطقی بین قاعده لاضرر و سوءاستفاده از حق از منظر مفهومی دست یافت، ضروری است که مفاهیم قواعد فوق تعریف شوند؛ به همین خاطر در ادامه این بند مهم‌ترین مفاهیم واژگان کلیدی را مورد شناسایی قرار می‌دهیم.

۱-۱. مفهوم حق

حق در لغت در معانی: «۱. راست، درست، ۲. اختیاری است که طبیعت، قانون یا عرف به کسی داده است: حق حرف زدن: آمده است. ۳. در اصطلاح در معنای: «اموری که در قانون پیش بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند این امور قابل تغییر را حق گویند» آمده است، گه هدف و غرض از حق در این پژوهش آن امتیاز یا اختیاری است که بر اساس قانون به اشخاص داده شده است تا بتوانند از این حق در راستای اعمال حق قانونی خود بکار ببرند.

۱-۲. مفهوم قاعده لاضرر

به منظور تبیین مفهوم هیأت ترکیبی قاعده، یعنی لاضرر و لاضرار، نخست باید مفهوم هیأت افرادی قاعده، یعنی ضرر و ضرار، مشخص گردد.

اگرچه در سیستم حقوقی کشور ما در ارتباط با مفهوم ضرر اختلاف نظر وجود ندارند؛ اما در کتاب‌های فقهی و لغت در ارتباط با مفهوم ضرر علی‌الخصوص ضرار تبادل نظرهای زیادی صورت گرفته است. اکثر لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان ضرر و ضرر آن را مترادف هم می‌دانند به‌عنوان نمونه در کتاب صحاح «ضر» در معنای خلاف نفع آمده است و آمده است که «ضره و ضاره» به یک معنا است و اسم آن ضرر است.^۴ مصباح المنیر نیز «ضره یضره و أضر» را مترادف می‌داند و «ضاره مضاره و ضراراً» را در معنای «ضره» می‌داند.^۵ همچنین در فرهنگ لغت قاموس «ضر فلانا و به ضرا و ضرا و ضراراً» را به معنای وارد کردن چیز مکروه و اذیت دیگری معنا کرده و «ضتر فلانا مضاره و ضراراً» را در معنای «ضره» آمده است.^۶

۱-۳. مفهوم قاعده سوءاستفاده از حق

وجود حق برای افراد دارای یک سری حدود داخلی است که به‌وسیله اصول کلی و قواعد نظام حقوقی تعیین می‌شوند که «سوءاستفاده از حق» نامیده می‌شود.^۷ از نظر بعضی از حقوقدانان، سو استفاده از حق مربوط به مواردی است که امکان ضرر به دیگری در طبیعت حق وجود داشته باشد؛ مثل تأسیس یک ساختمان یا داشتن حق اعتصاب؛ اما در جایی که اجرای حق به‌صورت متعارف باشد و عرفاً هم مستلزم

۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، (تهران: ج ۳، انتشارات اشجع، ۱۳۹۷)، ص ۴۵۶

۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: چاپ سی ام: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶)، ص ۲۱۶

۳. کاتوزیان، ناصر، تعهدات خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، (تهران: ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷)، ص ۲۴۲

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاحه، چاپ اول، جلد دوم، (بیروت، ج ۱، دارالعلم لعلملاین، ۱۴۱۰ ه.ق)، ص ۷۱۹

۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح النیرفی غریب الشرح الکبیر لالرفاعی، جلد دوم، (قم، ج ۱، جزوات دارالرضی، ۱۳۵۶)، ص ۳۶۰

۶. ابوجب، سعدی، القاموس الفقهی لغه و تیره، (دمشق، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه.ق)، ص ۲۲۲

7. Ghestin, J. et Goubeaux, G. Traité de droit civil – Introduction générale, Paris, L.G.D.J., 3rd Ed, (1993), p 697

ضرر به دیگری نیست، شخصی که با رفتار ناشایست خود موجب ضرر به دیگری می‌شود؛ در این حالت حقی وجود ندارد که بتواند از آن سوءاستفاده کند. به‌طور خلاصه باید گفت، این امکان وجود دارد که هرگاه شخصی ضرری به دیگری می‌زند، ناشی از اعمال حق و یا بدون داشتن حق باشد؛ و فقط در فرض اول است که سو استفاده از حق قابل طرح خواهد بود.

۲. مبنای سوءاستفاده از حق

دکترین نظام حقوقی فرانسه در خصوص مبنای سوء استفاده از حق با همدیگر اتفاق نظر ندارند. بعضی مثل «مازووتنک» مبنای سوء استفاده از حق را تقصیر در اعمال حق می‌دانند. به این معنا که هر گاه شخصی به‌واسطه رفتار و خود (رفتار ناشی از تقصیر) به دیگری خسارتی وارد آورد، ضروری است که آن را جبران کند. با استنباط از این معیار، باید گفت که رفتار غیرعادی از یک فرد عاقل و محتاط مرتکب نمی‌شود، در صورتی که از صاحب حقی، رفتار مضرى جهت اعمال حق صادر شود، وی از حق خود سوء استفاده کرده است. برخی مانند «ریپر» به این اعتقاد دارند که حق امتیازی است که به‌موجب آن به انسان قدرت می‌بخشد که در مقابل خسارات احتمالی ناشی از اعمال حق برخوردار از مصونیت باشند. لذا صاحب حق برخوردار از مصونیت مطلق است. به همین خاطر هرگاه شخصی حق خود را تنها به‌قصد ضرر زدن به دیگری اعمال کند، قصد اضرار، ماهیت رفتار وی را تغییر می‌دهد. به همین خاطر در این صورت از حق خود سوء استفاده کرده است و رفتاری را که انجام داده، دیگر شامل مصونیت ناشی از اعمال حق نمی‌شود؛ چرا که از حق نمی‌توان به‌عنوان وسیله‌ای جهت نقض اصول اخلاقی استفاده کرد. به همین خاطر قصد اضرار به این دلیل که با اصول اخلاقی مغایرت دارد، رفتار را نامشروع می‌کند؛ بعضی دیگر مثل «ژوسران» اعتقاد دارند که اعتبار حق از جانب قانون‌گذار جهت روح و غایت نهایی اجتماعی آن است؛ و لذا در صورتی که اعمال حق در راستای همان روح و غایت نهایی باشد، مشروع تلقی می‌گردد. پس غایت و هدف اجتماعی هر حق مهم است؛ یعنی در حالتی هم که نه قصد ضرر و نه تقصیری وجود داشته باشد، اما نتیجه حاصل از اعمال حق بر خلاف اهداف اجتماعی اعتبار حق باشد، نمونه بارز از سوء استفاده از حق تلقی می‌شود. با استقراء در مصادیق سوءاستفاده از حق که در فقه امامیه مورد توجه قرار گرفته است؛ می‌توان دریافت که بر اساس فقه امامیه و با توجه به مقتضیات هر مورد، مبنای را مدنظر قرار داده است؛ لذا نمی‌توان یکی از این مبانی را نسبت به فقه امامیه تلقی کرد و سایر مبانی را از آن سلب کرد.^۲

۲-۱. مبانی نظری مبتنی بر تقصیر

طبق نظریه تقصیر فرد در صورت تقصیر یا خطا مسئول است. با استنباط از مواد ۹۵۳، ۹۵۲ و ۹۵۱ قانون مدنی که تقصیر را شامل تفریط و تعدی می‌داند این‌گونه می‌توان برداشت که هرگاه شخصی در رفتار و اعمال خود احتیاط را رعایت نکرده و یا از قوانین و مقررات سرپیچی نمایند و به همین خاطر سبب زیان به شخص یا اشخاص دیگر شود در اینجا مسئول مقصر محسوب می‌شود و متعاقب آن باید نسبت به جبران خسارت وارده اقدامات لازم را انجام دهد. بر اساس این نظریه وجه اصلی مسئول دانستن عامل زیان

1. Starck, B. Droit civile: Obligation, Volume 2, Librairies techniques, Paris, (1972), p305

۲. بهرامی احمدی، حمید، سوء استفاده از حقوق (بررسی تطبیقی حقوق اسلامی و سایر نظام های حقوقی)، (تهران، چ ۲، اطلاعات، ۱۳۶۶) صص ۱۰۶ و ۱۰۹ و ۸۹ و ۲۱۴

رفتار زیان‌بار وی در قبال زیان دیده، تقصیر او است؛ ولی از جمله مهم‌ترین هدف موافقان این دیدگاه این است که عامل زیان را اکتاع وجدانی کند و به او تذکر داده شود که این وجدان او است که سبب می‌شود وی را مسئول جبران خسارت بداند و حکم قانون گذار نسبت به مسئولیت دانستن وی و الزام به جبران خسارت توسط او بر اساس حکم وجدان است؛ به عبارت دیگر این نظریه مبتنی بر انگیزه‌های درونی و باطنی فرد متکلی است. نظریه تقصیر مبتنی بر اصل براءت است اصلی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا از جمله ایران و فرانسه مورد پذیرش واقع شده است؛ بنابراین، زیان زنده مبری از تقصیر است؛ مگر آن که متضرر از زیان بتوان تقصیر او را به اثبات برساند. نظریه تقصیر از مهم‌ترین تئوری‌ها در مبانی مسئولیت مدنی است که طبق آن، جبران خسارت منوط به اثبات تقصیر عامل زیان است. گاه اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده است و گاه عامل زیان باید عدن تقصیر خود را ثابت نماید. این نظریه، معیاری اخلاقی برای شناسایی مبنای مسئولیت مدنی به دست. در نظام حقوقی ایران یکی از مهم‌ترین مبانی مسئولیت مدنی، مبتنی بر نظریه تقصیر است؛ به عبارتی بر اساس این نظریه شخص زمانی ملزم به جبران خسارت دیگری می‌شود که مرتکب تقصیر شود و تقصیر و به اثبات برسد.

در نظام حقوقی کشور فرانسه نظریه تقصیر از جمله مبانی مسئولیت مدنی در این کشور محسوب می‌شود در همین ارتباط می‌توان به ورود خسارت به کارگر اشاره کرد. بر اساس نظام حقوقی کشور فرانسه مبنای جبران خسارت کارگران به این دلیل بر عهده کارفرما گذاشته می‌شود که به علت وضعیتش، هم از فعالیت کارگران بهره می‌برد و هم می‌تواند از خسارت جلوگیری کند.

۲-۲. مبانی قانونی

اینکه شخص بخواهد در راستای اجرای حق خود زیاده خواهی کند، هم از نظر اخلاق رفتار ناپسندی است و هم از منظر علم حقوق چنین رفتاری نکوهیده است؛ به این علت که به حکم عقل و منطق، تناسب و توازن حقوق اشخاص و میزان استفاده آن‌ها، بهترین راه همگرایی و نیل به عدالت مورد انتظار است. با این حال، قلمرو استفاده از حق، همیشه محل مناقشه بوده است و هرازگاهی، شاهد شکل‌گیری تصمیمات قانونی متفاوت در این حوزه مهم از مسئولیت مدنی هستیم. تصویب مواد ۳۵۲ تا ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی سابق (۱۳۷۰)، نشانه جانب‌داری از مسئولیت مطلق صاحب حق بود که نتیجه‌ای جز تعطیلی حق هنگام اصطکاک با حق دیگران را در نداشته و با مبانی قانونی دیگر، به‌ویژه اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی، در تعارض آشکار بوده است؛ امری که انتقاد نویسندگان حقوقی را برانگیخته است.^۱

مبانی دکنترین سوء استفاده از حق در نظام حقوقی ایران در اصل چهلم قانون اساسی و همین‌طور در ماده ۱۳۲ قانون مدنی آمده است. مستنبط از اصل چهلم قانون اساسی، این اصل بر این مبنا استوار است که شخصی که می‌خواهد از حق خود استفاده کند نیت ضرر هر از گاهی، به غیر و یا تجاوز به منافع عمومی را دارد و در حقیقت مانعی جهت سوء استفاده دارندگان حق از حقوق خود در قبال اشخاص ثالث و منافع اجتماعی است. آدر همین ارتباط باید گفت که در قانون مدنی، نظریه سوء استفاده از حق مورد شناسایی واقعی نشده است و در دعوای مطروحه از سوی زیان‌دیده به علت ورود ضرر ناشی از استعمال غیرمتمعارف

۱. حاجی نوری، غلامرضا، «بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق» نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، (۱۳۹۴)، ص ۱۴۳

۲. شهیدی، مهدی، «نقض حق»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳، (انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱)، ص ۳۵

حقوق عینی، مبنا و اساس صدور رأی در قاعده لاضرر است و استفاده از نظریه سوء استفاده از حق در راستای حق عینی، به طور معمول در ماده ۱۳۲ قانون مدنی است؛ اما در سایر مصداق‌ها این نظریه را می‌توان استنباط کرد که یکی از این مصداقیق، از جمله سوء استفاده از سایر حقوق عینی مانند حق ارتفاق و حق انتفاع است که در صورت استفاده و ورود ضرر، عامل زیان ضامن خسارت‌های وارده به مالک است. در تکمیل توضیحات فوق‌الذکر باید گفت که ماده ۱۳۲ قانون مدنی، به‌عنوان قاعده‌ای عام، استفاده از حق یا تصرف در ملک را محدود به تضرر دیگران می‌داند اما هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی فرانسه، استفاده از این حق، گاهی اوقات از محدودیت‌ها تجاوز کرده و به‌صورت مطلق مجاز شمرده می‌شود و برای اعمال‌کننده آن در زمانی که به‌صورت عمد در راستای وارد کردن ضرر به دیگران بوده، فاقد مسئولیت شمرده می‌شود.

در مقابل چنین تفریطی اجتناب ناپذیر، افراطی نپذیرفتنی نمایان است. همچنین هر چند حکم مقرر در ماده ۵۲۱ در مجموعه قانون مجازات اسلامی آمده، بی‌تردید موجبات ضمان که این حکم نیز در میان مواد آن، از مباحث ضمان قهری است و از آثار و شرایط مسئولیت مدنی پیروی می‌کند و دلیل بیان این مواد در مجموعه قانون مجازات اسلامی، پیروی سنتی از تقسیم‌بندی‌های فقه اسلامی است، به‌ویژه که موجبات ضمان در ذیل کتاب چهارم (دیات) آمده است و ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی دیه را نوعی خسارت و تابع احکام و آثار مسئولیت مدنی می‌داند و هر چند که ماده ۱۲ همان قانون دیه را از اقسام مجازات‌ها قرار داده است؛ اما در هر حال مؤخر بودن ماده ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی و صراحت آن بر این که پرداخت دیه از حقوق مسلم مجنی علیه یا ولی دم است و متعاقب آن احکام و آثار ضمان را دارد، امکان جمع آن را با ماده ۱۴ این قانون ساخت نموده است بنابراین، باید به نسخ بند (ب) ماده ۱۴ قانون یاد شده معتقد بود یا بیان آن را ناشی از سهو قلم نویسندگان قانون مجازات دانست و یا با تفسیر مضیق دیده موضوع بند (ب) ماده ۱۴ یاد شده آن را دیه بدل از قصاص بدانیم و نه مطلق دیه. در تکمیل توضیحات فوق باید گفت که ماده ۱۳۲ قانون مدنی، به‌عنوان قاعده‌ای عام، استفاده از حق یا تصرف در ملک را محدود به تضرر دیگران می‌داند اما هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی فرانسه، استفاده از این حق، گاهی اوقات از محدودیت‌ها تجاوز کرده و به‌صورت مطلق مجاز شمرده می‌شود و برای اعمال‌کننده آن در زمانی که به‌صورت عمد در راستای وارد کردن ضرر به دیگران بوده، فاقد مسئولیت شمرده می‌شود.^۱

۳. قلمرو و ضمانت اجراء سوء استفاده از حق در حقوق ایران و فرانسه

اصولاً در همه حقوق امکان سوءاستفاده وجود دارد؛ لذا بیشتر حقوق واجد جنبه نسبی هستند؛ به عبارتی منظور این است که می‌توان از آن‌ها استفاده کرد و این استفاده نباید به‌صورت سوء باشد؛ اما در این باره یکسری استثنائات وجود دارد؛ به این معنا که بعضی از حقوق واجد جنبه مطلق بودن هستند و اجرای آن‌ها در هیچ صورتی نمی‌تواند سبب مسئولیت صاحب حق شود به‌طوری که حتی اگر با سوءنیت همراه باشد. در این باره قانون‌گذار و رویه قضایی چنین شیوه‌ای را در بسیاری از حقوق جاری می‌داند. در این گونه موارد، دارنده حق برخوردار از مسئولیت مدنی نیست به‌طوری که اگر برخوردار از آزادی کامل باشد و آن را به‌صورت عمدی اجرا کند. به‌عنوان نمونه، در نظام حقوقی فرانسه حق اخراج کارگر در دوره آزمایشی،

۱. هادی پور خطب سرا، وحید و انگروج تقوی، حسین، «مبانی مسئولیت مدنی در تزییع حقوق در حقوق ایران و فرانسه»، کنفرانس بین‌المللی کارآفرینی با شعار شکوفایی استعدادهای کارآفرینی: راهی به سوی تحول، (۱۴۰۱). صص ۱۲-۱۳

حقوق والدین در خودداری است رضایت به ازدواج فرزندان صغیر از نمونه‌های چنین حق‌هایی هستند. شایان ذکر است که دکتترین جدید در حقوق فرانسه به پذیرش حق مطلق اعتراض دارند و معتقد هستند که امروزه رویه قضایی نه فقط از نظریه حقوق پاسخگو طرف داری می‌کند، بلکه در بیشتر زمینه‌ها هرگونه سوء استفاده از حق را که منجر به ورود زیان شود، موجب مسئولیت مدنی می‌داند. در خصوص اموال، رویه قضایی فرانسه، آرای بسیاری را در خود دارد، به‌ویژه در موضوع مزاحمت‌های همسایگی که هرگونه سوء استفاده از حق را موجب مسئولیت مدنی می‌داند.^۱

نظریه مزاحمت، نخستین بار در ۲۷ نوامبر ۱۸۴۴ در قالب مسئولیت زیست محیطی توسط دیوان عالی کشور فرانسه شکل گرفت. در قضیه‌ای سر و صدای فعالیت کارخانه‌ای باعث مزاحمت ساکنان اطراف می‌شد، جمع بین ضرورت حمایت از همسایگان کارخانه از یک سو و تجویز گسترش فعالیت‌های صنعتی از سوی دیگر موجب شد که دیوان عالی اعلام کند: «که حق مالکیت محدود به این تعهد طبیعی و قانونی است که به مالکیت دیگری هیچ خسارتی وارد نکند». پس از اینکه در سال ۱۹۷۱ این نظریه (نظریه مزاحمت) خود به صورت یک نظریه مستقل از نظریه تقصیر به وجود آمد، در سال ۱۹۸۶ اصل جدیدی به موجب دیوان عالی اعلام شد که به‌طور کلی بسیار فراتر از مواد ۵۴۴ و ۱۳۸۲ قانون مدنی بود و آن اصل این طور آمده است که: «کسی حق ندارد برای دیگری اقدام به ایجاد مزاحمت غیرمتعارف نماید».^۲

جبران خسارت ناشی از مزاحمت غیرمتعارف به حقوق همسایه تابع اصل کلی جبران کامل خسارت است. در این مورد، جبران واقعی خسارت عبارت از قطع مورد مزاحمت و بازگشت به حالت نخستین است. در مورد کار آبی جبران خسارت مزاحمت همسایگی، رأی ۵ فوریه ۲۰۰۴ شعبه دوم مدنی دیوان عالی قابل توجه است. در قضیه‌ای در اثر وزش باد شدید، درختان خانه‌ای ریشه کن می‌شود و به منزل همسایه می‌افتد. باوجود اینکه دیوان، دخالت قوه قاهره را پذیرفت اما اعلام کرد که صاحب این درختان بیش از دو سال است که شاخ و برگ آن‌ها را زده و این امر با توجه به مدت مورد نظر - که امری غیرمتعارف محسوب می‌شود - در اثر قوه قاهره نبوده بلکه ناشی از مزاحمت غیرمتعارف همسایگی است. بدین سان، در این قضیه نوع خاصی از مزاحمت به حقوق همسایه مطرح است که بر پایه آن دادگاه می‌تواند صاحب درخت را ملزم به پیامدهای حادثه قوه قاهره و تعمیر مال همسایه کند. پس برای استفاده از دعوی مزاحمت، باید مزاحمت مورد ادعا غیرمتعارف باشد و ارزیابی آن، با توجه به اوضاع و احوال زمانی و مکانی صورت خواهد گرفت.^۳

۱-۳. قلمرو قاعده سوءاستفاده از حق

یکی از موضوعات بحث برانگیز در حقوق مسئولیت مدنی، قلمروی استفاده از حق است. به عبارت دیگر حق را تا چه میزان باید اجرا کرد؟ هرگاه اجرای حق شخص برای دیگران زیان‌بار باشد وظیفه دارنده حق چیست؟ نظریه مورد بحث که همانا نظریه سوء استفاده از حق

1. Meaud, H. L. et J. et Chabas, F. Leçons de droit civil, Paris, Montchrestien, 6^{ème} éd., t. II, 1^{er} vol (1978), p. 549

2. François Guy Trébulle. les Techniques Contentieuses au service de l'environnement, (2005), p. 2
3. انصاری، مهدی، «بررسی نوآوری‌های لایحه مسئولیت مدنی فرانسه (۲۰۰۵)»، مجله اطلاعات حقوقی، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، (۱۳۸۸)، ص. ۱۱۹

است، نظریه‌ای است که جهت محدود کردن اعمال حق و دوری از تجاوز صاحبان حق به منافع عمومی تأسیس شده است. این نظریه یک نظریه مدرن و مترقی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به آن نیازمند هستند. بر این اساس با توجه به اینکه سیستم‌های حقوقی از نظر تاریخی حق را یک امر مطلق و غیرقابل سوء استفاده تلقی کرده‌اند، در نهایت این موضوع مورد قبول واقع شد که باید جهت اعمال حق، یکسری محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های را مدنظر قرار داد؛ چنین محدودیتی در نظام حقوقی اسلام و نظام حقوقی ایران مورد قبول واقع شده است در همین ارتباط می‌توان مثال‌های زیر را بیان کرد:

برای نمونه، در موردی که اطراف مزرعه‌ای درختان بلند کاشته شده است تا هواپیمای شخصی همسایه به هنگام فرود در ملک خود دید کافی نداشته باشد یا دودکش شومینه‌ای به اندازه‌ای بلند ساخته شده که چشم انداز همسایه را از بین برده، در حالی که ساخت دودکش به این اندازه نیاز نبوده است، می‌توان دریافت که اقدام به این گونه ساخت یا کاشت، نوعی سوء استفاده از حق است. اقدام به دعوی بی‌دلیل از مصادیق سوء استفاده از حق است که در حقوق فرانسه دارای ضمانت اجراست. ماده ۱ - ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی جدید فرانسه در این خصوص ضمانت اجرای قانون قبلی را تشدید کرده است و رویه قضایی فرانسه آن را در جایی اعمال می‌کند که خواهان با سوءنیت یا تقصیر سنگین اقدام به است به اقامه دعوا کند. در حقوق ایران نیز از برخی مواد قانونی می‌توان با عنوان مصادیق سوء استفاده از حق یاد کرد که از جمله این‌هاست:

الف) مستنبت از ماده ۱۱ قانون کار به صورت آزمایشی: هریک از اطراف قرارداد کار حق دارند تا در حین دوره، بدون این که خطاری از پیش وجود داشته باشد و حتی بی آن که الزام به پرداخت خسارت داشته باشد، رابطه قراردادی کار را قطع کرد؛ لذا در صورتی که هریک از طرفین در راستای استفاده از حق خود، بر ایجاد ضرر و اذیت دیگری برآید، هیچ راهکاری وی را از اخراج کارگر منع نمی‌کند.

ب) مستنبت از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی: این امکان برای زوج وجود دارد که بر اساس شرایط مندرج در قانون مدنی به دادگاه مراجعه نماید و تقاضای طلاق زوجه خود را دهد؛ ذکر این نکته لازم است گفته شود که شرایط طلاق به درخواست مرد شرایطی شکلی هستند در صورتی که زوج در صدد سوءاستفاده از حق طلاق برآید و این طلاق در جهت اذیت و آزار زوجه باشد از نظر قانونی هیچ منعی وجود ندارد و در این حالت می‌توان گفت که زوج مرتکب گناه شده است؛ چرا که قانون گذار حکیم چنین اختیاری را به مرد داده است و این اختیار مباح است و امری هم که مباح است تقصیری در آن وجود ندارد.^۲

ج) مستند به مواد ۱۸۸ و ۳۹۹ قانون مدنی در عقد بیع این امکان وجود دارد که برای مشتری، بایع یا هردو یا شخص ثالث اختیار فسخ معامله وجود داشته باشد حال تصور کنید که در صورتی که یکی از طرفین قرارداد یا حتی شخص ثالث که صاحب اختیار حق فسخ هستند بخواهند بدون هیچ گونه دلیل محکمه پسندی و به قصد ضرر طرف عقد، اقدام به سوء استفاده از حق کنند، در اینجا هیچ ضمانت اجرایی جهت پیشگیری از این رفتار وجود ندارد. به تصور بعضی از حقوقدانان، قاعده لاضرر می‌تواند راهکاری جهت جلوگیری از چنین سوء استفاده‌هایی باشد اما چنین نظری در نظام حقوقی ایران به آسانی مورد پذیرش نیست.^۳

۱. محمدی و پاسبان، پیشین، صص ۳۹-۴۰

۲. خدادادپور، منیره و دیلمی احمد، «سوء استفاده از حق طلاق و راهبردهای مقابله ای» مجله خانواده پژوهشی، شماره ۱۷، (۱۳۸۷)، ص ۷۶

۳. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر با قاعده غربی تضییع حقوق»، فصلنامه تحقیقات تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره دوم، (۱۳۹۱)، ص ۸۲

د) مستند به ماده ۸ آیین نامه قانون تملک آپارتمان‌ها، هنگامی مجمع عمومی رسمی است که مالکان بیش از نصف مساحت تمام بخش‌های اختصاصی آپارتمان حضور داشته باشند؛ اما در صورتی که مالکی که نصف آپارتمان به نام وی است یا به عبارتی نیمی از آپارتمان در مالکیت وی قرار دارد به‌طور عمدی و برای ایجاد ضرر و تأخیر در امور ساختمان در جلسه حضور پیدا نکند، در اینجا چه راهکار قانونی جهت جلوگیری از چنین رفتاری که منتهی به سوء استفاده وی از حق خویش است وجود دارد؟ در اینجا آیین نامه، پاسخی به پرسش فوق نداده است؛ لذا در این مورد می‌توان گفت که حق مالک به‌صورت مطلق است.

و) بر اساس ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی، به زوج این امکان داده شده است تا هنگامی که مهر به او داده نشده از انجام تکالیفی که در قبال زوج دارد، خودداری کنند با این شرط که مهریه او به‌صورت حال باشند. از طرف دیگر بر اساس رأی وحدت رویه ۲۲۷۱۸ مورخ مرداد ۱۳۸۷، هرگاه زوج به علت عسر و حرج مالی نتواند به‌صورت یکجا مهریه را پرداخت نمایند مهریه به‌صورت قسطی قابل پرداخت است اما پرداخت قسطی مهریه به معنای از بین رفتن حق حبس زوجه نیست. با دقت در این رأی وحدت رویه می‌توان دریافت که عدم توجه به مبانی حقوق و همین‌طور عدم توجه به سوء استفاده از آن این امکان را به زوجه می‌دهد که حق خود را جهت انتقام یا حتی اضرار عمدی به زوج به کار گیرد لذا به رأی وحدت رویه فوق‌الذکر می‌توان این انتقاد را وارد نمود و محاکم عالی (دیوان عالی کشور) نباید موجبات سوء استفاده حق را فراهم آورند.^۱

با این وجود، عده‌ای از دکترین حقوقی که به حقوق مطلق موسوم‌اند، برخی از حقوق مانند حق مخالفت والدین با ازدواج فرزند خود، حق تنفیذ عقد نکاح فرزندان صغیر از سوی اولیا را از قلمرو قاعده سوءاستفاده از حق خارج می‌دانند و مورد بررسی و کنترل قرار نمی‌گیرند؛ اما در راستای تأیید مصداق‌هایی از این دست در نظام حقوقی ایران.^۲

در علم حقوق که در ارتباط با روابط افراد به همدیگر بحث می‌شود و از سوی دیگر از «حق» ها، سخن گفته می‌شود، همین امر سبب می‌شود که قلمرو قاعده لاضرر به قلمرو قاعده لاضرر نزدیک شود. در «حقوق خودخواهانه»^۳ یا صلاح‌دیدگی که اعمال آن‌ها به اختیار و تشخیص صاحب حق واگذار شده، سو استفاده از حق جریان دارد؛ و دکترین حقوقی کشور فرانسه فقط از مسئله محروم کردن از ارث و وصیت، تحت عنوان حقوق مطلق نام برده‌اند که از محدوده‌ی نظریه سوءاستفاده از حق خارج است. در همین ارتباط و در نظام حقوقی کشور ایران، خروج وصیت تا یک سوم اموال از شمول قاعده لاضرر مورد پذیرش قرار گرفته است؛ چراکه وصیت تا ثلث از دارایی، حتی اگر با قصد ضرر به ورثه صورت گیرد، از نظر قانون مدنی نافذ است و زاید بر آن نیازمند تنفیذ سایر ورثه است. النهایه این طور می‌توان نتیجه گرفت که قلمرو قاعده لاضرر در نظام حقوقی ایران تا حدودی با قاعده سوءاستفاده از حق در نظام حقوقی فرانسه از جهاتی قرابت دارد.^۴

۲-۳. ضمانت اجراء

۱. هادی پور خطب سرا، وحید و انگروج تقوی، حسین، پیشین، ص ۷

۲. کاتوزیان، ناصر، *تعهدات خارج از قرارداد*: مسئولیت مدنی، جلد اول، (تهران، ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵)، ص ۱۱۵

۴. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، پیشین، صص ۱۵۲-۱۵۳

سوء استفاده از حق چیزی جز تقصیر نیست؛ بنابراین ضمانت اجرایی جز آنچه در مسئولیت مدنی وجود دارد، نخواهد داشت و ضمانت اجرا آن است که عامل سوء استفاده باید خسارات وارده را جبران کند. جبران خسارت اصولاً از راه بازگرداندن زیان دیده به وضعیت پیشین به عمل می‌آید که گاه از بین بردن منشأ زیان، راه دست یافتن به آن است؛ مانند تخریب بنایی که برای اذیت مجاوران یا دیگران احداث شده است یا به شکل پرداخت معادل پولی آن جبران خسارت شود. البته امروزه در حقوق کشورهای مختلف از جمله ایران و فرانسه ابزارهای جدیدی وجود دارد که از آن به‌عنوان مکانیسم اصلاحی یاد می‌شود. در همین خصوص بر اساس حقوق کشور فرانسه لغو سندی که با سوء استفاده از حق ایجاد شده یا ساقط کردن و از بین بردن حقی که با سوء استفاده به دست آمده، از نمونه‌های به‌کارگیری مکانیسم اصلاحی است. در امور مالیاتی هنگامی که مؤدی در اثر کتمان، مالی را به دست بیارد که نسبت به آن محق نبوده و به تعبیری از حق خود اظهاری سوء استفاده کرده است، مکانیسم اصلاحی شامل از بین بردن نتیجه اعمالی می‌شود که در اثر کتمان واقعیت‌ها تحصیل شده است و بر این مبنا، گواهی‌های صادره ابطال می‌شود. چنین مکانیسمی یکی از ابزارهای مهم جلوگیری از سوء استفاده از حق است که حتی می‌تواند از طریق مجازات سوء استفاده کننده از حق، نیز اعمال شود.

با توجه به توضیحات داده شده، در ادامه ضروری است که بررسی شود که در نظام حقوق موضوعه ایران در چه شرایطی استفاده از حق سبب مسئولیت مدنی می‌شود. همان‌طور که در مقدمه پژوهش بیان شد، بر اساس قاعده عام، محدوده مسئولیت دارنده حق بر اساس ماده ۱۳۲ قانون مدنی این‌طور قابل استنباط است که افراد نمی‌توانند در تصرفات خود باعث ضرر به دیگری شوند مگر تصرفی که به میزان متعارف و جهت رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. بعضی از حقوقدانان مثل دکتر شهیدی در ارتباط با مبنای ماده ۱۳۲ اعتقاد دارند که آنچه در اصل چهلم قانون اساسی مهم است، ضرر است اما در مسئولیت مدنی موضوع ماده ۱۳۲ قانون مدنی، انگیزه ضرر به دیگری و عدم آن هیچ نقشی ندارد و از این نظر در مورد ماده ۱۳۲ قانون مدنی اعم از اصل چهلم قانون اساسی است. البته در توضیحات دکتر شهیدی عبارتی وجود دارد که به‌نوعی اشاره به لازم بودن نیت پلید در تحقق مسئولیت در زمان استفاده از حق است؛ این علت که ایشان بعد از تقسیم تصرفات به خارج از حد عرف و متعارف، تصرف متعارف را در صورتی که نه برای رفع نیاز رفع ضرر باشد مسئولیت آور می‌دانند. کدر این حالت می‌توان گفت که چنین مسئولیتی انگیزه‌ای جز اضرار به غیر نمی‌تواند داشته باشد؛ چرا که در حقوق جهت تشخیص قصد غیرقانونی و نامشروع مالک آسان‌ترین راه، این است که قاضی نفعی را که وی از تصرف می‌برد مدنظر قرار دهد؛ پس باید گفت در جایی که مالک، منفعت معقولی در اجرای تصرف زیان بار خود ندارد این‌طور فرض می‌شود که به‌قصد اضرار به غیر اقدام می‌کنند و ضروری است که از رفتار او حتی اگر به‌صورت متعارف باشد جلوگیری به عمل آورد.^۱ از آنجا که در فقه امامیه، فقهای مشهور اعتقاد دارند که هرگاه شخصی به‌قصد ضرر به دیگری از حق خود، استفاده کند، مسئول جبران خسارت است؛ به همین خاطر باید گفت که این که در ماده ۱۳۲ قانون مدنی، صحبت از «رفع حاجت و رفع ضرر» شده است، به این علت است که قاضی را از تفحص در خصوص تشخیص قصد حقیقی صاحب حق را مشخص می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۹۵)؛ چرا که تنها راه تشخیص

1. Mazeaud, H. L. et J. et Chabas, F. Leçons de droit civil, Paris, Montchrestien, 6^{ème} éd., t. II, 1^{er} et vol. (1978). 90

۲. شهیدی، مهدی، «نقض حق»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۳-۳۴، (۱۳۸۰)، صص ۳۷-۳۸

۳. کاتوزیان، ناصر. الزامات خارج از قرارداد (تهران، چ ۵، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۱۹۵

تصرف نامتعارف «عدم رفع حاجت و عدم رفع ضرر» نیست، بلکه قاضی می‌تواند بر اساس اوضاع و احوال واقعه تشخیص دهد که رفتار دارنده حق، متعارف و یا نامتعارف است به همین خاطر آنچه دارای اهمیت است نامتعارف بودن رفتار است و در حقیقت تصرف جهت رفع نیاز یا رفع ضرر، اماره‌ای جهت تشخیص متعارف بودن رفتار است، اما تنها راه شناسایی آن نیست.^۱

۴. معیار قاعده لاضرر و قاعده سوءاستفاده از حق

موافق قاعده لاضرر، حکم ضرری نفی شده است. اینکه منظور چه نوع ضرری بوده و معیار تحقق آن چیست، جای بحث دارد. پاره‌ای از نویسندگان، صرف تحقق ضرر را ملاک قرار داده‌اند، آبدین معنی که هرگاه کسی در اعمال حق خویش سبب ضرر دیگری شود، به موجب قاعده لاضرر چنین ضرری بر طرف شده و در راستای حکم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط، صاحب حق از اجرای حق خویش منع، می‌گردد. معیارهایی که در حقوق فرانسه برای تحقق سوءاستفاده از حق توسط رویه قضایی و دکترین ارائه شده است، عبارت‌اند از: هدف اجتماعی، قصد اضرار، انحراف از حدود اجتماعی حق، غیرمتعارف بودن (تقصیر در) اجرای حق و غیرمتعارف بودن ضرر ایجاد شده که در این بند مورد مطالعه قرار خواهند گرفت.

۴-۲. هدف اجتماعی حقوق^۲

به نظر ژوسران، جهت تشخیص سوء استفاده از حق، لازم است که به این نکته توجه داشت که «آیا رفتار یادشده با هدف حق و روح حاکم بر آن و هدفی که حق برای آن ایجاد شده است، سازگاری دارد یا خیر؟» اما هدف اجتماعی آن هدفی است که حقوق به خاطر آن به وجود آمده است و نه به خاطر حمایت از آزادی‌های شخصی ما؛ بر اساس این نظریه، منفعت شخصی افراد در نفع اجتماعی آن‌ها تجلی می‌شود. این چنین نظری به‌عنوان دیدگاهی موسع و از طرف دیگر دیدگاهی نسبی شناخته می‌شود؛ به این علت که بنا به تعبیر بعضی: «چنین نظری، برای مقابله و مبارزه با استفاده‌ی خودخواهانه از حق است؛ اما این پرسش مطرح می‌شود که آیا چنین معیاری برای محقق شدن مسئولیت مدنی کفایت می‌کند؟». اندیشمند دیگری بنام «ریپر» در این باره نظر دارند که صاحب حق، همواره نباید این گونه فکر کند که اعمال حق همواره باید به نفع او باشد، بلکه لازم است که اعمال حق فقط به منفعت جامعه باشد؛ اما در سیستم حقوقی اسلامی به هنگام تعارض بین حق شخص و حق اجتماعی وعدم امکان رفع تعارض، به‌طور معمول حق اجتماعی بر حق فردی ارجحیت دارد.^۳

۴-۲. قصد اضرار

ملاک و معیار قانون مدنی ایران، در شناخت قصد ضرر و زیان، تعدی از یک رفتار متعارف است؛ هرچند در خصوص نظریه فوق‌الذکر با استنباط از قوانین و مقررات مدنی در چگونگی اجرای حقوقی، مانند

۱. حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر. بررسی و مقایسه تزییع حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران و فرانسه، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در حوزه استحکام خانواده و مدیریت اختلاف، دامغان، (۱۴۰۱). ص ۸

۲. بهرامی احمدی، حمید. سوء استفاده از حقوق، (تهران، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰) صص ۲۱ و ۳۶۷

۳. but social des droits

۴. هادی پور خطبه سرا و انگورج تقوی، پیشین، ص ۳

حق مالکیت، حق انتفاع و حق ارتفاق قابل استنباط و استخراج است؛ اما لازم است که این نظریه به عنوان یک نظریه مستقل در قانون مدنی گنجانده شود و متعاقب آن ضابطه تشخیص سوء استفاده از حق مشخص شود؛ به عنوان مثال چنانکه تجاوز از رفتار یک انسان متعارف در استعمال حق، میتواند معیاری جهت تشخیص و احراز قصد ضرر محسوب شود. با این اوصاف باید گفت که با توجه به اینکه معیار سوء استفاده از حق در قانون مدنی ایران تعیین شده و از هیچ کدام از مواد قانونی گفته شده این معیار حاصل نمی‌شود؛ ضروری است که فصل مستقلی به سوء استفاده از حق اختصاص داده شود و از طرف دیگر محدودیت‌های اجرای حقوق در صورت حضور قصد ضرر مشخص شود.^۱

بعضی از دکترین حقوق فرانسه که یکی از مشهورترین آن‌ها «ریپر» است، اعتقاد دارند که سوء استفاده از حق زمانی محقق می‌شود که فرد با هدف ضرر زدن به دیگری در قلمرو حق خود عمل کند. به عبارتی، فقط عمد و قصد ضرر است که انجام حق را نامشروع می‌کند و سوء استفاده محسوب می‌شود.^۲ چنین معیاری در اولین حکمی که در سال ۱۸۵۵ در خصوص سو استفاده از حق صادر شد، مورد قبول واقع شده است. با گذشت چندین سال از صدور چنین حکمی، ضابطه قصد اضرار به دیگری مورد انتقاد واقع شد؛ چراکه بسیار مضیق بوده و فقط عمد در ضرر را منع می‌کند.^۳ در صورتی که این امکان وجود دارد هدف اعمال کننده حق، ضرر زدن به دیگری نباشد، اما سوء استفاده از حق محسوب شود. به همین خاطر، چنین معیاری مانع اغیار نیست. به عنوان مثال در برخی موارد مانند مخالفت کردن با ازدواج فرزند صغیر سبب وجود قصد ضرر محسوب نمی‌شود به عبارتی موجب تحقق سوء استفاده از حق تلقی نمی‌شود پس ضابطه مذکور نیز جامع افراد نیست.^۴

۳-۴. انحراف از غایت اجتماعی حق

«ژوسران» از اساتید نامدار فرانسوی که دیدگاهی سوسیالیستی دارد و از این منظر به حقوق نظر دارد، بر این اعتقاد دارند که همه امتیازها و توانایی‌های حقوق، در اصل و ذات خود یک غایت اجتماعی دارند و از این منظر، هرگاه حقی مخالف با اهداف اجتماعی مورد استفاده شود، فرض بر این است که از آن سو استفاده شده است؛ به عنوان نمونه؛ حمایت قانون از مالک ملک به این دلیل است که مناسب‌ترین راه اداره اموال و استفاده از ملک را در حفظ آن می‌داند؛ به همین خاطر صاحب حق لازم است که در این خصوص از حق خود استفاده کند در غیر این صورت مرتکب انحرافی شده که همانا سوء استفاده نامیده می‌شود.^۵ چنین معیاری در رویه قضایی کمتر اتفاق می‌افتد؛ به عنوان نمونه؛ در دیوان کشور فرانسه در رأی که در تاریخ ۲۲ مارس ۱۹۵۳ صادر کردند آن دسته از اعتصابات که دارای اهداف سیاسی بودند را سوء استفاده از حق محسوب کرد.

۱. مقصودی، رضا، سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره دوازدهم، (۱۳۹۴). ص

2. Svatier, R. La théorie des obligations, Vision juridique et économique, Paris, 3rd Ed (1974). P266

3. - Ghestin, J. et Goubeaux, G. Traité de droit civil – Introduction générale, Paris, L.G.D.J., 3^e éd. (1993). p97

4. Rouast, A. "Les droits discrétionnaires et les droits contrôlés", RTD civ. (1944). p155

5. - Josseland, L. (1939), L'esprit du droit romain, I- De l'esprit des droits et de leur relativité, Théorie dite de l'abus des droits, Paris, Dalloz, 2nd Ed (1939). p292

۴-۴. غیرمتعارف بودن اعمال حق یا تقصیر در اجرای حق

معیار غیرمتعارف بودن که مورد قبول عده‌ای از اساتید حقوق مدنی در کشور فرانسه واقع شده، نظریه سوءاستفاده از حق را مبتنی بر نظریه کلاسیک مسئولیت مدنی استوار می‌نهند و بر اساس ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی که مسئولیت مدنی را بر اساس نظریه تقصیر استوار می‌سازد، سوءاستفاده از حق را با مسئولیت مدنی در می‌آمیزد. بر اساس این رویکرد همان طور که اشخاص در ارتباطات خود لازم است که جانب احتیاط را رعایت و به صورت متعارف رفتار کنند، در هنگام اعمال حق ضروری است که جانب احتیاط را رعایت کنند و مرتکب تقصیر نشوند. در نتیجه، ملاک و ضابطه در اعمال حق، نیز تقصیر است و معیار آن رفتار یک انسان متعارف و معقول است. پس این طور باید گفت که بر اساس این نظریه، علتی که موجب تحقق سوءاستفاده از حق می‌شود، همانا غیرمتعارف بودن ضرری است که ناشی از اجرای حق است.^۱

نتیجه گیری و پیشنهادها

با توجه به تکامل و پیشرفت اجتماع و پیچیده شدن روابط افراد، تجاوز صاحب حق به حقوق دیگران به علت مشخص نبودن ملاک‌های تشخیص، سوءاستفاده از حق افزایش چشمگیری پیدا کرده است و مجموعه مقررات موضوعه مثل قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی نمی‌تواند مانع از استعمال حق به قصد ضرر به دیگری در زمینه اجرای حق عینی شود. در همین خصوص قانون گذار با مدنظر قرار دادن محدوده عرفی و مبانی ایجاد حق، باید ملاک‌ها و معیارهای سوءاستفاده از حق را مشخص کند تا از اعمال برخورد سلیقه‌ای در تشخیص مصادیق سوءاستفاده از حق جلوگیری کند. چراکه معین کردن

معیارهای عرفی و قانونی موجب تشخیص سوءاستفاده از حق به نفع صاحب حق می‌شود؛ به همین خاطر کسی نمی‌تواند بدون داشتن دلیل محکمه پسند و با تمسک له سوءاستفاده از حق، سبب سلب آزادی اشخاص در سوءاستفاده از حقوق قانونی شود. با توجه به این که این نظریه از قوانین کشورهای خارجی ناشی می‌شود، بومی سازی مقررات مذکور می‌تواند در تضمین حقوق صاحبان حق و مصونیت سایر اشخاص از آسیب‌های ناشی از سوءاستفاده از حق مؤثر واقع شود.

استفاده از حق اصولاً نسبی است به طوری که نمی‌توان به صورت عمدی و یا به صورت مقصرانه از آن بهره جست اما بنا به یکسری دلایل پیدا و پنهان، مجموعه قوانین طوری تنظیم و به تصویب رسیده‌اند که سوءاستفاده از حق امکان پذیر و میسر است؛ به همین خاطر، ضروری به نظر می‌رسد که قانون گذار هنگام تنظیم و تصویب قوانین تا جایی که امکان پذیر است راه‌های نفوذ پذیر برای سوءاستفاده از حق را با تمهیدات و پیش بینی‌های لازم ببندد.

یکی از مهم‌ترین مواد قانونی که می‌تواند به عنوان اصل متقن، از محورهای دیگر قوانین مرتبط قرار گیرد ماده ۱۳۲ قانون مدنی است و تا جایی که امکان دارد مواد قانونی مرتبط به نفع این ماده تفسیر شود و در هنگامی که سوءاستفاده از حق به صورت مطلق است، قلمرو آن محدود و تفسیر آن مضیق شود.

مطالعه تطبیقی بین قاعده لاضرر در نظام حقوقی ایران و قاعده سوءاستفاده از حق در نظام حقوقی فرانسه این مسئله را به اثبات می‌رساند که در هیچ کدام از این دو نظام، این نظریات به صورت مطلق

نیستند، بلکه صاحب حق در اجرای آن با یکسری محدودیت‌هایی مواجه است و مرزهای این محدوده را قاعده نفی ضرر در حقوق ایران و سوءاستفاده از حق در نظام حقوقی فرانسه تعیین می‌کنند. در نظام حقوقی ایران ملاک و معیار در سوء استفاده از حق نیز ارتکاب یک ضرر غیرمتعارف است و جهت تحقق آن نیاز به قصد اضرار نیست.

در نظام حقوقی کشور فرانسه از قاعده سوء استفاده از حق برای نفی حکم اباحه عمل در حالت سوءاستفاده استفاده می‌شود، هرچند در این باره به آن اشاره‌ای نشده است؛ اما رد پای نظریه نفی حکم را به صورت مشخص می‌توان جستجو کرد؛ اما ذکر این نکته خالی از ایراد نیست که گفته شود معیار سوء استفاده از حق در نظام حقوقی کشور فرانسه تا حدودی اختلافی است و نظریه جدیدتری که از سوی حقوقدانان مطرح شده است، نظریه نامتعارف بودن خسارت ایجادشده است. از منظر قلمرو و حوزه کاربرد نیز سوء استفاده از حق در جایی کاربرد دارد که شخص در مقام اجرای حق خود است و با سوء استفاده از حق خود موجب ضرر به دیگری می‌شود.

منابع

۱. منابع فارسی

۱. ابوجب، سعدی، القاموس الفقهي لعه و تثيره، (دمشق، چاپ دوم، دارالفکر، ۱۴۰۸ ه.ق.)
۲. انصاری، مهدی، «بررسی نوآوری های لایحه مسئولیت مدنی فرانسه (۲۰۰۵)»، مجله اطلاعات حقوقی، دوره جدید، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، (۱۳۸۸)
۳. بهرامی احمدی، حمید. سوء استفاده از حقوق، (تهران، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰)
۴. بهرامی احمدی، حمید. سوء استفاده از حقوق (بررسی تطبیقی حقوق اسلامی و سایر نظام های حقوقی)، (تهران، ج ۲، اطلاعات، ۱۳۶۶)
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، (تهران: چاپ سی ام: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۶)
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاحه، چاپ اول، جلد دوم، (بیروت، ج ۱، دارالعلم لعلملاین، ۱۴۱۰ ه.ق.)
۷. حاجی نوری، غلامرضا، «بازگشت اعتدال به نظریه سوء استفاده از حق» نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال ششم، شماره یازدهم، (۱۳۹۴)
۸. شهیدی، مهدی، «نقض حق»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳-۳۴، (انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱)
۹. شهیدی، مهدی. «نقض حق»، مجله تحقیقات حقوقی، انتشارات دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۳-۳۴، (۱۳۸۰).
۱۰. حجتی نسب، مرتضی و خانی، امیر. (۱۴۰۱). بررسی و مقایسه تزییع حقوق خانواده در نظام حقوقی ایران و فرانسه، اولین همایش ملی تحولات قانونگذاری در حوزه استحکام خانواده و مدیریت اختلاف، دامغان. (۱۴۰۱).
۱۱. خدادادپور، منیره و دیلمی احمد، «سوء استفاده از حق طلاق و راهبردهای مقابله ای» مجله خانواده پژوهشی، شماره ۱۷، (۱۳۸۷)
۱۲. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، (تهران: ج ۳، انتشارات اشجع، ۱۳۹۷)
۱۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح النیرفی غریب الشرح الکبیر لالرفاعی، جلد دوم، (قم، ج ۱، جزوات دارالرضی، ۱۳۵۶)
۱۴. کاتوزیان، ناصر، تعهدات خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، (تهران: ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۸۷)
۱۵. کاتوزیان، ناصر. الزامات خارج از قرارداد (تهران، ج ۵، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)
۱۶. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر با قاعده غربی تزییع حقوق»، فصلنامه تحقیقات تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره دوم، سال اول، (۱۳۹۳)
۱۷. کریمی، عباس و شعبانی کندسری، هادی، «رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر با قاعده غربی تزییع حقوق»، فصلنامه تحقیقات تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال اول، شماره دوم، (۱۳۹۱).
۱۸. کاتوزیان، ناصر، تعهدات خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، جلد اول، (تهران، ج ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵).
۱۹. محمدی، مهدی و پاسبان، محمدرضا، «راهکارهای غیر قضایی مقابله با سوء استفاده از حق با تأکید بر شرکتهای تجاری و دولتی»، فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره دهم، (۱۴۰۱)

۲۰. مقصودی، رضا، « سوء استفاده از حق در حقوق بین الملل خصوصی»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره دوازدهم، (۱۳۹۴)

۲۱. هادی پور خطب سرا، وحید و انگروج تقوی، حسین، « مبانی مسئولیت مدنی در تزییع حقوق در حقوق ایران و فرانسه»، کنفرانس بین المللی کارآفرینی با شعار شکوفایی استعدادهای کارآفرینی: راهی به سوی تحول، (۱۴۰۱)

ب) وبسایت ها

۲۲. www.legifrance.com

۲۳. www.courdecassation.fr

۲. منابع انگلیسی

۲۴. François Guy Trébulle, les Techniques Contentieuses au service de l'environnement.(2005).

۲۵. Ghestin, J. et Gooubeaux, G. Traité de droit civil – Introduction générale, Paris, L.G.D.J, 3rd Ed.(1993).

۲۶. Josserand, L. L'esprit du droit romain, I- De l'esprit des droits et de leur relativité, Théorie dite de l'abus des droits, Paris, Dalloz, 2 nd Ed.(1939).

۲۷. Mazeaud, H. L. et J. et Chabas, F. (1978). Leçons de droit civil, Paris, Montchrestien, 6éme éd, t.II, 1er vol

۲۸. Malinvand, Ph. Droit des Obligations, 10th ed.(2005).

۲۹. Rouast, A. "Les droits discrétionnaires et les droits controlés", RTD civ.(1994).

۳۰. Savatier, R. La théorie des obligations, Vision juridique et économique, Paris, 3rd Ed.(1974).

۳۱. Starck, B. Droit civile: Obligation, Volume 2, Librairies techniques, Paris, (1972)

A comparative study of civil liability for abuse of rights in Iranian and French laws

Abstract

One of the controversial issues in civil liability law is the use of the right; In other words, to what extent should the right be implemented? If the implementation of a person's right is harmful for others, what is the duty of the right holder? In order to control the quality of the exercise of the right, it is necessary to specify a criterion through which the abuse of the right can be identified.

Method: In terms of purpose, this writing is practical, and in terms of collection method, it is done in documentary and library form and through the study of laws and regulations and reliable sources, and the information obtained is descriptive and analytical.

Regarding the findings of the research, it can be stated that, although Article ۱۳۲ of the Civil Code is the basis of the legislator's view on the ruling on the abuse of the right, the nature of multiple types of rights has caused the limitation of the right to be two-sided; It means that sometimes the abuse of the right of guarantee is not enforced and the legislator makes the ruling on the exercise of the right absolute and sometimes prohibits the fair exercise of the right; Regarding the scope of the abuse of the right, it should be considered that the theory of abuse of the right applies only to the exercise of the right, while the rule of non-harm is not limited to the customary scope of the exercise of the right, such as the right of ownership or the right of passage.

Regarding the results of the research, it can be said that the place of flow of the rule of abuse of the right is the application and implementation of the right; And in Iran's legal system, it is used to deal with the harm caused by legal rulings and to fight against the right to enforce a right that leads to another harm. On the other hand, in French law, in case of abuse in the position of enforcement of the right, the sentence of permission and falsification of the exercise of the right is removed and it has an equal relationship with the theory of negation of the sentence.

Key words: civil responsibility, basics, abuse of rights, Iran, France